

از کتاب: لماذا اُخترت مذهب الشیعة؟
(۸)

شخصیت جاودانی خاندان پیامبر (ص)

چند روایت از بزرگان اهل تسنن

ترجیح بدون دلیل

* * *

چند روایت از بزرگان اهل تسنن

خداوند برای اعلاء کلمه توحید و بقا دین اسلام و در ضمن برای بزرگداشت شخصیت جهانی پیغمبر اکرم و آشکار کردن عظمت و مقام والای او، در قرآن مجید بر حضرتش درود می فرستد و بسلاها نیز بمنظور قدردانی از زحمات طاقت فرسای وی و ترقی و تعالی اسلام دستور میدهد بر آن حضرت درود بفرستند (ان الله وما لا تکنه یصلون علی النبی . . . سورة احزاب آیه ۳۳) زیرا ابقای نام پیامبر با دوام تعلیمات کهن بارش که از منبج وحی الهی سرچشمه میگردد پیوند ناگسستنی دارد.

مفسرین شیعه اتفاق نظر دارند که کیفیت درود فرستادن بر پیامبر (ص) باید چنان باشد که ائمه اهل بیت (ع) را نیز شامل گردد. بسیاری از علماء اهل سنت نیز با آنها در کیفیت درود فرستادن موافقت و روایات فراوانی از بزرگان عامه منقول است که مادر اینجا بذكر چند روایت اکتفا میکنیم:

۱ - محمد بن ادریس شافعی در کتاب «مستند» (۱) از ابراهیم بن محمد از صفوان بن سلیم از ابی سلمة بن عبدالرحمن از ابوهریره نقل میکند: «روزی ابوهریره بر رسول خدا عرض نمود: چگونه بر تو درود بفرستیم؟ آن حضرت فرمود بگوئید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» همانگونه که بر ابراهیم (ع) درود می فرستید، و تبرک بچوئید با نام محمد (ص) و آل او همانطور که با نام ابراهیم و اولادش تبرک می جوئید»

ابن حجر در کتاب صواعق (۲) از کعب بن عجره در روایت صحیحی نقل میکند:

(۱) جلد دوم صفحه ۹۷

(۲) صفحه ۱۴۴

هنگامیکه این آیه شریفه بر پیامبر نازل شد با حضرت عرض کردیم، چگونه بر تو سلام و درود بفرستیم؟ فرمود: بگوئید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» بعد فرمود: درود ناقص بر من نفرستید، سؤال کردند درود ناقص چگونه است؟ حضرت فرمود: این است که تنها «اللهم صل علی محمد» گفته شود و ذکر آدل من بیان نیاید. (۱)

۳ - نیشابوری در تفسیر خود در ذیل آیه: «قل لا اسئلكم علیه اجر الا المودة فی القربی» مینویسد: همین اندازه در شرف و فضیلت فرزندان پیامبر کفایت میکند که در هر نمازی بر آنان درود فرستاده می شود و تشهد یا ذکر نام آنها ختم میگردد. (۲)
۴ - محب الدین طبری در «ذخائر عقیبه» (۲) از جابر نقل میکند که «اگر نمازی بخواند بدون ذکر نام «محمد» و «آل او» من آن نماز را صحیح نمیدانم!»

۵ - ابن حجر در صواعق (۳) و دارقطنی و بیهقی و قاضی عیاض در «شفا» از ابن مسعود از پیغمبر اکرم (ص) روایت میکنند که فرمود: هر کس نماز بخواند و در آن درود بر من و بر اهل بیت من نفرستد نماز او قبول نیست» (۴)
از این جا است که شافعی صریحاً فتوی میدهد که «صلوات بر محمد و آل او از واجبات نماز است»

۶ - امام فخر رازی در تفسیر خود (۵) مینویسد: «تحیت و درود بر «آل محمد» مقام بزرگی برای آنها است که در خاتمه تشهد هر نماز گزاری باید آنرا بگوید»

و همچنین قرطبی در تفسیر خود «الجامع لاحکام القرآن» و ابن عربی اندلسی مالکی در کتاب «احکام القرآن» روایات زیادی نقل میکنند که ذکر «آل» را بعد از ذکر

(۱) ابن حجر در همان کتاب جملاتی نقل میکند که مدعی شیعه را در برتری فرزندان پیامبر بر سایر افراد ثابت میکنند و بعد چنین مینویسد: «رسول خدا در موارد متعددی نام آل خود را در ردیف اسم خویش قرار میداده، ولی جای بسی تأسف است که با وجود این گونه روایات صحیح و تصریح بزرگان عامه، بعضی از برادران سنی مادر مقام درود فرستادن بر پیامبر تنها با نام آن حضرت اکتفا می کنند و یا احیاناً فقط اصحاب و یا همسران پیامبر را همراه اسم آنحضرت ذکر میکنند»

(۲) ص ۱۹

(۳) ص ۱۳۹

(۴) غدیر ج ۲ ص ۳۰۳ (۵) ج ۷ ص ۳۹۱

پنجمبر اکرم واجب‌المشماره ، و مادر اینجا بجهت اختصار اسامی بعضی از بزرگان اهل سنت و نام کتابهای آنان را که در ذیل این آیه تصریح کرده‌اند باید تجمیع و درود بر پیامبر چنان باشد که شامل اهل بیت اونیز گردد ذکر میکنیم و خوانندگان گرامی میتوانند بان کتابها مراجعه کرده و اخبار آنها را مطالعه کنند .

بخاری در صحیح، خود (۱) و احدی در اسباب النزول (۲) بغوی در معالم التنزیل، که در حاشیه تفسیر خازن (۳) چاپ شده ، حاکم در مستدرک (۴) ، امام فخر رازی در تفسیر کبیر خود (۵) ؛ حافظ ابونعیم اسفہانی در کتاب اخبار اصقہان (۶) حافظ ابوبکر خطیب در تاریخ بغداد (۷) ابن عبدالبر اندلسی در تجرید التمهید (۸) نیشابوری در تفسیر خود (۹) ، آلوسی در روح المعانی (۱۰) ، محب‌الدین طبری در « ذخائر العقبی » (۱۱) ، نووی در کتاب « ریاض الصالحین » (۱۲) ابن کثیر در تفسیر خود (۱۳) طبری در تفسیر خویش (۱۴) ، خازن در تفسیر خود (۱۵) سیوطی در در مشهور (۱۶) .

و نیز در « بغیة الوعاة » (۱۷) شوکانی در فتح الغدير (۱۸) ، ابوبکر حضرمی در « رشفة الصادی » (۱۹) ؛ سید ابراهیم نقیب مصر در دو کتاب خود « بیان » و « تعریف » (۲۰) ، شیخ محمد ادریس شافعی در کتاب خود تعلق صحیح در شرح مصابیح، (۲۱)

(۱) ص ۱۲	(۲) ص ۲۷۱
(۳) ج ۵ ص ۲۲۵	(۴) ج ۳ ص ۱۴۸
(۵) ج ۲۵ ص ۲۲۶	(۶) ج ۱ ص ۱۳۱
(۷) ج ۶ ص ۲۱۶	(۸) ص ۱۸۵
(۹) ج ۲۲ ص ۳۰	(۱۰) ج ۱۲ ص ۷۲
(۱۱) ص ۱۹	(۱۲) ص ۴۵۵
(۱۳) ج ۳ ص ۵۰۶	(۱۴) ج ۲۲ ص ۲۷
(۱۵) ج ۵ ص ۲۲۶	(۱۶) ج ۵ ص ۲۱۵
(۱۷) ص ۴۴۲	(۱۸) ج ۴ ص ۲۹۳
(۱۹) ص ۲۴	(۲۰) ج ۲ ص ۱۳۴
(۲۱) ج ۱ ص ۴۰۱ تا ۴۰۲	احادیث متعددی در این خصوص ذکر کرده است . (بقیة در صفحه ۵۵)

آموزش و پرورش

(۶)

احمد بهشتی

هماهنگی نیروها

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

... از خانه‌ای غریب‌شادی برخاست ، دوستان و خویشاوندان ، بشراخور حال خویش ، هدیه‌هایی تدارف کردند ، تبریک گفتند و در مراسم جشن ، شرکت جستند ، زیرا نخستین کودک خانواده ، پس از روزها و ماهها انتظار قدم بعرضه‌زندگی گذارده بود .

آری آقا و بانو ، سرانجام ، پدر و مادر شدند و بدنبال آن ، وظائف خطیری در زندگی پیدا کردند ، وظائفی که با سرنوشت ، سعادت و شخصیت يك انسان ، بستگی دارد .

انسانی ناتوان ! و نیازمند بهر ستارمه‌ریبان و فداکار ! ولی دوست داشتنی ، نور چشمی و جگر گوشه ، یا يك سلسله استعداد های مختلف ، بدنی آمده ، بزنگی پدر و مادر ، رونق تازه و صفا و گرمی بخشیده و ساعتها والدین خود را سرگرم و مشغول میسازد .

از همینجا طرح آینده يك کودک ، ریخته میشود ، آموزش و پرورش و آغاز میگرد ، تجربه‌ها میآید و زود ، بسیاری تجربه‌های ساده و سطحی ، یاد میگیرد که ؛ بستان مادر را بچمک ، هنگام گرسنگی ، باناله و گریه ، مادر را بخویش جلب کند ، از دیدن قیافه‌های آشنا لبخند زند ، از دیدن قیافه‌های نا آشنا گریه کند ، کم کم صدا و قیافه‌مادر را تشخیص دهد و ...

سالهای اول زندگی ، سپری میشود ، طفل که زبان باز کرده ، حرف میزند ، راه میرود ، اسباب بازی را مال خود میداند ، بکسی اجازه دخالت در آنها نمیدهد ، غر از پدر و مادر ، با عده‌ای دیگر هم آشنا شده ، دلش میخواهد بگردش و تفریح رود ، و گاه گاهی با پدر و مادر ، همکاری نماید ولی ...

ولی هنوز هم ، طفیلی و نیازمند است ، آموزش و پرورش میخواهد ، تا بتواند انسانی